

برخورد مدنی، رویکرد حرفه‌ای

بازخوانی یک تجربه

احمد مسجدجامعی

راهیابی تیم ملی فوتبال ایران به مسابقات جام جهانی ۱۹۹۸ مهم‌ترین اتفاق ورزشی پس از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. این صعود پس از طی مسیری دشوار توسط ملی‌پوشان کشورمان، یک سال پس از انتخابات هفتم ریاست جمهوری و استقرار دولت سیدمحمد خاتمی به وقوع پیوست. در بعدازظهر یک روز گرم تابستانی، احمد مسجدجامعی، وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد ستادی که به منظور مدیریت فضای اجتماعی جامعه در حین انجام مسابقات فوتبال جام جهانی ۱۹۹۸ تشکیل شده بود، زمینه‌های شکل‌گیری، اهداف و نتایج این ستاد و تجربه حاصل از آن با ما سخن گفت.

پیش از آن که به موضوع شورای سیاستگذاری فرهنگی- اجتماعی جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه بپردازم، لازم است در ابتدا به عنوان مقدمه به دو اتفاق مهم که در طول مسابقات مقدماتی جام جهانی و راهیابی تیم ملی فوتبال به مرحله نهایی مسابقات به وقوع پیوست، اشاره کنم. نخست این که تیم ملی فوتبال ایران در مرحله مقدماتی مسابقات ۱۹۹۸، از راهیابی مستقیم به جام جهانی بازماند و با شکست در مقابل تیم ملی عربستان، در گروه خود دوم شد. در مسابقه ایران و عربستان که در ورزشگاه آزادی برگزار شد تماشاگران بارها و بارها شعار "علی ولی‌الله" سر دادند. رسانه‌های برخی کشورهای عربی در انعکاس این شعارها و برجسته‌ساختن عدم نتیجه‌گیری ایران، بیش از سایر رسانه‌ها تلاش کردند و این پیروزی ورزشی را نشانه‌ای از درستی مشی عقیدتی

و باورهای مذهبی خود دانستند. به همین دلیل، این شکست در روان جمعی مردم ما تاثیر عمیقی نهاد. دیگر این که در مسابقه ایران و استرالیه پس از صعود غیرمنتظره و پیروزی نهایی تیم ملی ایران که با گل زیبای آقای کریم باقری و گل به یلاماندنی آقای خداداد عزیزی در آخرین لحظات به نتیجه رسید، راهیابی به جام جهانی فوتبال میسر شد و هیجان مترکمی از سوی مردم بروز کرد. این هیجان منجر به حضور گسترده و شاد مردم در خیابان‌ها و میادین شهر گردید که تا ساعت‌ها ادامه یافت و باعث بروز ناهنجاری‌ها

و اختلال‌هایی در برخی از مناطق تهران شد. این دو اتفاق، مهم‌ترین انگیزه تشکیل این شورا بود. تلقی ما این بود که ورزش چیزی بیش از یک شیوه معمول گذران اوقات فراغت است و در واقع ورزش، بویژه فوتبال، به منزله آینه‌ای است که روحیه و مناسبات فرهنگی و اجتماعی جامعه را بازتاب می‌دهد.

به قصد شناخت ابعاد اجتماعی این مقوله مجموعه‌ای از نشست‌های علمی طراحی شد تا ابعاد مختلف این پدیده را از زوایای اجتماعی واکاوی کند.

برای نخستین بار بود که چنین اتفاقی در کشور می‌افتاد، یعنی قبل از آن ما نشست پژوهشی درباره ورزش با چنین رویکردی نداشتیم. ما ورزش را همچون یک پدیده فرهنگی و اجتماعی

در دستور کار قرار دادیم. رییس سازمان تربیت بدنی وقت، آقای سید مصطفی هاشمی طباطبائی یکی از جلسات عنوان کرد که این اولین بار است که ورزش با این عمق در کانون توجه قرار می‌گیرد. اما این که چرا به این مساله پرداختیم، به خاطر تحولاتی بود که احساس کرده بودیم نیاز به مدیریت منطقی و تدبیر دارند. بعد از مسابقه ایران و استرالیا در پاره‌ای جاها، درگیری‌هایی بین مردم و نیروهای انتظامی پیش آمد و عده‌ای از مردم که قریب به اتفاق آن‌ها از جوانان و نوجوانان بودند، دستگیر شدند. فکر می‌کردیم این حوزه را باید به نحوی دیگر مدیریت کرد. از سوی دیگر، احساس می‌کردیم ورزش رنگ و بوی سیاسی و فرهنگی گرفته و ای بسا همان اتفاقی که در بازی با عربستان روی داده بود، تکرار شود. به عبارت دیگر، ما نمی‌خواستیم شکست احتمالی ما مقابل یک تیم به شکست سیاسی تعبیر شود.

تلاش اصلی شورای سیاستگذاری خارج کردن فوتبال از جنبه نمادین سیاسی- فرهنگی و تقویت ویژگی کارشناسی آن بود. خوب است که مردم برای پیروزی ورزشکاران خود دعا کنند، ولی درست نیست که از شکست آن‌ها در مسابقات به این نتیجه برسند که دعا کارساز نیست. این نگرانی زمانی تشدید می‌شد که ما دیده بودیم که استفاده

ابزاری از موارث و ذخایر فرهنگی و دینی عملا



عکس: احمد نشان

به تضعیف این باورها منجر می‌شد. در مواجهه با جوانان هم به دنبال یافتن راهی بودیم که مهار هیجانات آن‌ها به دست نیروهای انتظامی انجام نگیرد.

یک مساله دیگر هم که موجب تشکیل این شورا شد هم‌گروه شدن ما با تیم ملی فوتبال آمریکا بود. برای این مسابقه ما سه حالت پیش‌بینی کرده بودیم: پیروزی، تساوی و شکست. مساله‌مان این بود که اگر در برابر آمریکا شکست بخوریم، این شکست یک شکست سیاسی-فرهنگی تلقی نشود و از یک باخت ورزشی، احساس تحقیر ملی و فرهنگی دست ندهد. به همین خاطر در آیین‌نامه‌ای که تدوین شد، بارها تمایری مانند حساسیت‌زدایی، هدایت صحیح افکار، برخورد منطقی با نتایج بازی‌ها، پرازش درست اخبار و... به کار رفته بود. تمام هم و غم ما این بود که اگر در یک بازی باختیم، این به معنای تردید در اقتدار و ارزش نظام و شعارهای آن نباشد، کما این‌که شکست ما در مقابل عربستان به معنای حقانیت آیین و هوایت نبود، اما به دلیل شعارهای تماشاگران در ورزشگاه آزادی تلویحا به چنین برداشتی دامن زده شد. بنابراین لازم بود که از زاویه اجتماعی و فرهنگی و نگاه تماشاگر به این مساله پرداخته شود. پیش‌بینی می‌شد که ۱۳۰۰۰ خبرنگار این بازی‌ها را پوشش بدهند نزدیک به بیش از ۱/۵ میلیارد نفر این بازی‌ها را تماشا کنند. بازی ایران و استرالیا را ۹۵ درصد مردم تماشا کرده بودند. بازی خوب و پیروزی ما در هر مسابقه می‌توانست نشاط گسترده‌ای در جامعه ایجاد کند همان‌طور که عدم حضور و شکست ما می‌توانست موجب دلسردی و خمودی در جامعه شود؛ یعنی ما هم می‌توانستیم شادی آفرینی کنیم و به مردم روحیه بدهیم و در آن‌ها ایجاد نشاط کنیم و هم بر عکس. بنابراین، باید برای حالت‌های مختلف برنامه‌ریزی می‌کردیم، چون به هر حال احتمال شکست‌مان هم وجود داشت.

از دیگر پیش‌بینی‌های ما یکی این بود که حداقل صد هزار ایرانی برای تماشای مسابقات به فرانسه خواهند رفت تا از نزدیک در چهار شهر محل برگزاری مسابقات، شاهد آن باشند. سرود ملی ایران در هر بازی نواخته می‌شد؛ برای ما مهم بود که لباس و نشانه‌های ایرانیان در ورزشگاه چگونه باشد، یا ورزشکاران ما در بازی چه اخلاقی پیش گیرند. ما ملتی بودیم که به ادب و اخلاق مداری بلند آوازه بودیم. بر این اساس باید هم در داخل و هم در خارج، برنامه‌هایی طراحی می‌کردیم که واکنش عمومی در مقابل پیروزی و شکست چگونه باشد؟ به علاوه می‌خواستیم تا می‌توانیم از رودرویی با مردم جلوگیری کنیم. بر این اساس آقای خاتمی رییس‌جمهوری وقت، حکم ریاست این ستاد را به نام بنده زدند و شورای سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی با مشارکت ده نهاد و وزارتخانه شکل گرفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، سازمان صدا و سیما، خبرگزاری جمهوری اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان ملی جوانان، سازمان تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال. هم‌زمان بیانیه شورای فرهنگ عمومی درباره حضور تیم ملی فوتبال در مسابقات جام جهانی فرانسه منتشر شد. فکر می‌کردیم فرصت مناسبی برای بیشتر شناساندن ایران نیز مهیا شده است و این معرفی در اشکال مختلفه مثل نمادهای ایرانی و آداب‌دانی تماشاگران، بازیکنان، خبرنگاران و سایر دست‌اندرکاران پیش‌بینی شد. دو گروه را جداگانه طراحی کردیم: ۱. گروه رسانه‌ای؛ ۲. گروه اجتماعی.

ابتدا در پنج جلسه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و تأثیرات داخلی و خارجی مسابقات بررسی شد دو جلسه هم گروه مشورتی تشکیل دادیم و بالاخره سند نهایی را در شورای فرهنگ عمومی به تصویب رساندیم و قرار شد در طول مدت مسابقات مرتب به شورا گزارش دهیم. این ستاد تا یک ماه بعد از پایان بازی‌ها هم کار خود را ادامه می‌داد.

از تحقیقات مهمی که آن زمان انجام شده بود، یکی

هم نقش مطبوعات در شکل‌دادن به ذهنیت اجتماعی در مسابقات مقدماتی جام جهانی بود، بخصوص درباره روزنامه‌برابر ورزشی که در آن روزها مهم‌ترین رسانه تأثیرگذار ورزشی کشور در تحلیل و بررسی مسائل مسابقات فوتبال بود، مطالعه‌ای انجام شد. در آن تحقیق گفته شده بود که شکست‌های تیم فوتبال در صورتی که مربی داخلی باشد به مربی و پیروزی تیم به بازیکنان آنان نسبت داده می‌شود، اما زمانی که تیم از مربی خارجی به‌رمنند باشد پیروزی از آن مربی خارجی و شکست از آن بازیکنان است. این تحقیقات و پژوهش‌ها برای اولین بار صورت گرفت.

نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌داد افکار عمومی پیش از برگزاری مسابقات بعد سیاسی آن را بر بعد ورزشی ترجیح می‌دهد. بخشی از افکار عمومی شکست ورزشی را شکست سیاسی می‌دانست و بخشی از افکار عمومی نفس بازی‌ها، صرف‌نظر از برد و باخت، موثر در بسط روابط ایران و آمریکا قلمداد می‌کرد. ولی نتایج نظرسنجی بعد از مسابقه نشان می‌داد که افکار عمومی نتیجه مسابقه را یک امر ورزشی تعبیر می‌کند و به بعد سیاسی آن کمتر توجه دارد. هدف نهایی همه این تلاش‌ها، تبدیل فضای انتظامی به فضای اجتماعی و مدنی و تبدیل بازی‌ها از رقابت سیاسی و فرهنگی به رقابت حرفه‌ای بود. برای این مساله چند کار انجام دادیم، یک مجموعه پیک خبری داشتیم که به صورت بولتن روزانه به تولید مطلوب اخبار و اطلاعات مسابقات و همکاری در نحوه نگرش افکار عمومی می‌پرداخت. در گزارشی که ما داشتیم، در بررسی و تحلیل مسائل فوتبال، افکار عمومی در آن دوره بیشتر متکی به روزنامه‌ها و نشریات بود نه صدا و سیما. تماشاگر، گزارش مسابقات را از صدا و سیما دنبال می‌کرد اما تحلیل را از مطبوعات می‌گرفته در این زمینه روزنامه‌برابر ورزشی بیش از رسانه‌های دیگر در کانون توجه بود و بعد نشریات کیهان، سلام، اطلاعات، همشهری و... که برد ورزشی نسبتاً مناسبی داشتند.

یک بخش تولید خبر هم داشتیم که بر اساس سیاست‌هایی که گفته شد مصاحبه‌گزارش و مطالب تحلیلی را بر اساس ضرورت‌های مطرح شده ارائه می‌کرد و مطبوعات از این مصاحبه‌های آماده به خوبی استفاده کردند. ما برای هر یک

از مطبوعات ورزشی پرونده‌ای

داشتیم و تمام تولیدات خود

را در اختیار آن‌ها قرار

می‌دادیم و آن‌ها

هیچ

محدودیتی

برای استفاده از این تولیدات و حتی ذکر نام منبع نداشتند. مطبوعات ترجیح می‌دادند از این اخبار آماده و ویرایش شده و جدید استفاده کنند. این تجربه نشان داد که اگر ما بتوانیم اخبار و گزارش‌های پر جاذبه و متنوع و متکی بر پژوهش‌ها و بررسی‌های اجتماعی- فرهنگی تولید کنیم، می‌تواند تاثیر بسیار مثبتی در شکل و محتوای عموم نشریات داشته باشد و از دست‌اندازی منابع خارجی به افکار عمومی جلوگیری کند. این امر فضای مطبوعات را متعادل می‌کند و تیرها و مطالب سطحی را کاهش می‌دهد. در آن شرایط احساس می‌کردیم یکی از لوازم پیروزی، ایجاد همدلی بین همه بود و این همدلی را برخی نشریات ورزشی به خاطر شمارگان‌شان به هم می‌زدند. مثلا نقل قولی از یک مربی یا بازیکن علیه بازیکن دیگر منعکس می‌شد. ما باید روحیه تیم را حفظ می‌کردیم. این قبیل اطلاعات از طریق ارتباط‌هایی که بازیکنان با خانواده‌هایشان یا دوستان نزدیک خود برقرار می‌کردند، منتقل می‌شد و در روحیه تیم ما در فرانسه تاثیر منفی می‌گذاشت. چنان‌که می‌دانید در فوتبال حاشیه‌ها پر رنگ است. برای حاشیه‌زدایی و تقویت روحیه اعضای تیم از شیوه‌های عملی هم بهره می‌بردیم. مثلا شب قبل از مسابقه ایران و آمریکا ضیافتی با حضور صمیمانه و گرم خانواده‌های بازیکنان تیم ملی فوتبال برپا کردیم و به همه آن‌ها یک جلد قرآن کریم هدیه دادیم و گفتیم برای فرزندانمان دعا کنیم. این فضای دوستانه تاثیر بسیار مثبتی در روحیه آن‌ها داشت. خانواده‌ها در همان شب با فرزندان‌شان تماس گرفتند و آن‌ها را مطلع کردند. وقتی از بازتاب این برنامه در اردوی تیم ملی در فرانسه آگاهی یافتیم، تقریبا همه از توجه به خانواده‌های آن‌ها خوشحال بودند. در حقیقت ما با شیوه‌های گوناگون و از طریق رسانه‌ها، ایجاد همدلی در بین گروه‌های گوناگون مردم و مسئولین، مسابقات را پیگیری می‌کردیم و جلسات مرتبی با مدیران حوزه معاونت مطبوعاتی و صدا و سیما و خبرگزاری جمهوری اسلامی و اصحاب رسانه و فدراسیون و کارشناسان داشتیم و به ضرورت، تحلیل‌هایی هم ارائه می‌دادیم. چون در افکار عمومی هم گفته می‌شد که مسابقه ایران و آمریکا یک مسابقه سیاسی است و گفته می‌شد شکست ایران در این مسابقه شکست نظام است. بسیار کوشیدیم تا از شکست احتمالی تیم ایران چنین برداشتی نشود. چون به نظر ما بسیار مهم بود که مسئولان در جریان مسائل و آخرین وضعیت ورزش، افکار عمومی و تلاش‌های گروه‌ها و جریان‌ها ضد انقلاب مستقر در خارج کشور باشند. یک خبرنگار انواری هم برای آن‌ها تهیه می‌کردیم. البته برخی

مسئولان به ما می‌گفتند این کارها که شما می‌کنید اسراف است. اما ما احساس می‌کردیم برای مدیریت روحیه تیم و نشاط عمومی، هر قدر سرمایه‌گذاری کنیم، ارزش دارد و در عین حال یک فضای منطقی ایجاد می‌کردیم. دائما نظرسنجی و بررسی و تحلیل می‌کردیم. بعدها دیدیم بررسی‌هایمان و گزارش بازی ایران و آمریکا بجا بود. چون پربیننده‌ترین بازی اوار جام جهانی شد و ما برای پربیننده‌ترین بازی جهان برنامه داشتیم که از حیثیت و موقعیت ایران و اخلاق و ادب ایرانی دفاع کنیم، بخصوص که اگر پیروز می‌شدیم، در برابر آمریکا قدرت‌نمایی کرده بودیم و برایمان مهم بود که در برابر آمریکا به عنوان یک کشور صاحب قدرت و در عین حال رقیب ظاهر شویم. برای مردم و افکار عمومی هم بسیار مهم بود. شواهد به خوبی نشان داد که احساس شادی عمومی و غرور ملی کاملا در جامعه بزرگ ایران در داخل و خارج جوشش بی‌مانند و گسترده وصف‌ناپذیری داشته است.

ما بعد از بازی ایران و آمریکا هیجان‌ات خیابانی تا پاسی از نیمه شب و به صورتی گسترده در خیابان‌ها و بزرگراه‌ها داشتیم، ولی بسیار مدیریت شده بود و با بازی استرالیا بسیار متفاوت بود. بر خلاف بازی ایران و استرالیا که اتفاقاتی روی داد و دستگیری‌هایی صورت گرفت، در پایان این بازی چنین مسائلی پیش نیامد که نشان می‌داد که شورای سیاست‌گذاری در کار خود موفق بوده است.

اخلاق ورزشی و انسجام اجتماعی و ایجاد خاطره جمعی ملی، برای ما بسیار حائز اهمیت بود. ما چیزی به نام منشور اخلاقی به معنای امروزی‌اش نداشتیم، ولی عملا این فضای اخلاقی ایجاد شد. اجمالا هدف‌مان این بود که از راه‌های غیرامنیتی، پدیده‌های اجتماعی را مدیریت کنیم. مثلا طراحی کردیم که در سطح شهر در چه میدان‌هایی، چه مراسمی برگزار شود و امکان تجمع برای مردم فراهم شود. ما برای اردوی تیم ایران در فرانسه هم خبرنامه‌هایی جداگانه تهیه می‌کردیم که کار بسیار حساس و دشواری بود. هدف این بود که اخبار، مطالب و تنش‌هایی که به اردو منتقل می‌شد، بزدایم و آرامش روانی ایجاد کنیم.

یک بخش خارجی هم طراحی کردیم که سفارت ایران و رایزنی ایران در فرانسه مسئولیت آن را بر عهده داشتند. دفتر نماینده ایران در فیفا، نماینده صدا و سیما در پاریس و دفتر نمایندگی ایران در یونسکو توانستند بخش خارجی را مدیریت کنند. در این زمینه مدیریت فدراسیون فوتبال و رایزنی فرهنگی ایران که مسئولیت آن‌ها به عهده آقایان صفایی فراهانی و حجت‌اله ایوبی بود، نقش موثری

در تنظیم مناسب روابط و سایر هماهنگی‌ها داشتند. در فرانسه جریان‌ها و گروه‌های ضد نظام به ویژه سازمان مجاهدین خلق هم حضور رسمی داشتند. در حالی که فرانسه پایگاه اصلی بسیاری از این گروه‌ها هم محسوب می‌شد. با وجود این که تدارک وسیع و برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای بهره برداری‌های سیاسی از این رویداد داشتند و گمان می‌رفت از بعضی پیش‌بینی‌ها نیز برخوردار باشند، اما به دلیل ذهنیت منفی مردم نسبت به آن‌ها و چون ما آن‌جا نیز با برنامه‌ریزی حضور پیدا کرده بودیم و به هیچ وجه هم اصراری به تبلیغات دولتی نداشتیم و حرکت کاملا مردمی بود، آن‌ها نتوانستند کاری از پیش ببرند. از ایران هنرمندانی به فرانسه اعزام شدند، قهوه‌خانه‌هایی به سبک ایرانی به راه افتاد که در آن‌ها چهره‌های سرشناس و مشهوری در میان مردم حضور پیدا می‌کردند. فیلم‌هایی نمایش می‌دادند، اقدام تبلیغاتی از قبیل پرچم پیراهن‌های مخصوص مسابقات، بروشور و لوح‌هایی برای معرفی هرچه بیشتر ایران طراحی کرده بودیم که مردم از آن‌ها بسیار استقبال کردند و بویژه در برابر شکل‌های دیگری از پرچم‌ها، با احساساتی پر شور پرچم رسمی ایران را برمی‌افراشتند.

در واقع برنامه‌ریزی مناسبی برای گسترش فرهنگ شادی، روحیه‌بخشی و ایجاد خاطره جمعی و اعتماد به نفس ایجاد شده بود. این‌ها جنبه ایجاد مساله بود. پیروزی تیم ایران با دو گل به یادماندنی از دو بازیکن شاخص کشورمان به نتیجه رسید: آقایان حمید استیلی و مهدی مهدوی کیا؛ اما در جنبه سلبی‌اش هم طراحی شده بود که اگر شکست خوردیم، کسی احساس شکست سیاسی و فرهنگی نکند و احساس افسردگی عمیقی به جامعه دست ندهد.

این برنامه‌ریزی توانست برخوردهای امنیتی را به همدلی اجتماعی و مدنی تبدیل کند و جلوی تشنج و قشریندی‌های متخالف را بگیرد و از هزینه‌های کنترل اجتماعی بکاهد. مدیریت اجتماعی و مدنی در آن زمان اثرات درازمدتی هم در جامعه داشت که یک نزدیکی بین قشرهای مختلف مردم و همچنین بین مردم و مسئولان بود. شواهدی وجود داشت که نشان می‌داد مردم روحیه امین‌واری پیدا کرده‌اند و از پیش‌بینی‌های مسئولان از آرمان‌های ملی رضایت دارند؛ اگر این امر در سایر امور و دوره‌ها تسری پیدا می‌کرد، امروز وضعیت بهتری داشتیم. فوتبال در آن مقطع توانست دل‌های ملت و مسئولان را به هم نزدیک کند، این کار مهمی بود که انجام شد، بسیاری از مسائل مبتلابه امروز ما ناشی از برخی بی‌تدبیری‌هاست.